

نقش و جایگاه مردم در الگوی مردم سالاری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

حدیث اقبال^۱

چکیده

زمینه و هدف: «مردم سالاری اسلامی» الگوی حکمرانی بومی ایران است که مقام معظم رهبری آن را برای «گفتمان سازی» نظام سیاسی شکل گرفته در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کار برده‌اند. این الگوی حکمرانی در مخالفت با «یکه سالاری» و «اندک سالاری»، «مشارکت و حاکمیت مردم» را با «مرجعیت دین» به رسمیت می‌شناسد. این الگوی بومی، پاسخی به «ضرورت نظام سازی» بر پایه دین و «مسئله دموکراسی خواهی» در یک کشور مسلمان بوده است. هدف این پژوهش، پاسخ به این سؤال است که «جایگاه مردم» در الگوی مردم سالاری دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری چگونه است؟

روش تحقیق: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب رویکرد «نهادگرایی» صورت گرفته است که بر اساس آن، تبیین الگوی یک نظام سیاسی با استناد به نهادها و ساختارهای آن امکان پذیر است. ابتدا جستار مفهومی و نظری این الگو از دیدگاه مقام معظم رهبری در قالب «خاستگاه و مشروعیت الهی» و «اصالت حاکمیت و مشارکت مردمی» مطرح شده و سپس با رویکرد نهادگرایی به تحلیل جایگاه مردم در این الگو از منظر ایشان پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: مقام معظم رهبری، مردم سالاری اسلامی، دین، جمهوری اسلامی ایران، نهادگرایی.

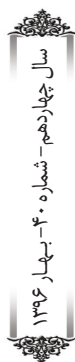
۱. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین.



۱- مقدمه

امروزه «دموکراسی» مفهومی شناخته‌شده و دارای مطلوبیت بین‌المللی است و اکنون دیگر بیشتر حکومت‌ها در پی اثبات دموکراتیک بودن خود هستند. این نقطه در عصر حاضر، حاصل تلاش‌های فکری اندیشمندان و مبارزات دامنه‌دار بشری برای دست‌یابی به حق خود و رهایی از سلطهٔ حکام ظالم و خودکامه است که نتیجهٔ آن خودآگاهی جمعی از حقوق سیاسی، حضور و «مشارکت مردمی» در تعیین سرنوشت در سطوح مختلف و سقوط حکمرانی‌های اقتدارگرا بوده است. مشارکت سیاسی شهروندان به‌عنوان نماد توسعهٔ سیاسی به معنی حق دخالت شهروندان یک جامعه در تمام تصمیم‌گیری‌هایی است که مستقیم و یا غیرمستقیم بر سرنوشت آن‌ها تأثیرگذار است. مشارکت سیاسی می‌تواند اصالت نقش و جایگاه مردم را در امر سیاسی محقق سازد. دموکراسی خواهی و مطالبهٔ مشارکت سیاسی در کشورهای مسلمان نیز از لحاظ نظریه‌پردازی، آگاه‌سازی و رهبری در بدو امر تا تلاش‌ها برای استقرار آن داستان‌های بسیار آفریده است که نمونهٔ متأخر آن بیداری اسلامی در منطقهٔ خاورمیانه است. دین مبین اسلام نیز که یک دین جامع و کامل برای سعادت بشر است دارای احکام و قوانینی در این زمینه است که مشارکت مردم را در نظام سیاسی ضروری می‌سازد؛ مانند اصل شورا، اصل مشارکت برای امنیت و ثبات سرزمینی (جهاد)، امر به معروف و نهی از منکر، بیعت و ... که هر یک به‌مثابهٔ ابزاری برای تحقق مردم‌سالاری عمل می‌کند. بر همین مبنا و با گسترش امواج دموکراسی خواهی در جهان،^۱ ایران نیز پیش‌تاز کشورهای مسلمان در موضوع دموکراسی خواهی بوده است. سابقهٔ دموکراسی خواهی در ایران را می‌توان از عصر مشروطیت پیگیری نمود؛ اما این تلاش‌ها ثمره‌ای در قالب نظریه‌پردازی مدون و نظام‌سازی در پی نداشت تا زمانی که امام خمینی (ره) الگوی حکمرانی «مردم‌گرا» و «دین‌محور» را مطرح نمود و با راهبری خود آن را به پیروزی رساند. امام خمینی (ره) با تسلط کامل بر آموزه‌ها و معارف اسلامی و با بهره‌گیری از ابزارهای اسلامی، الگوی بدیعی به نام جمهوری اسلامی که بسیاری

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک: ساموئل هانتینگتون، موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، تهران، نشر روزنه، ۱۳۹۰؛ سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمهٔ محسن ثلاثی، نشر علم، ۱۳۹۲.



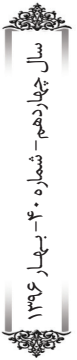
دستیابی به آن را ناممکن می‌دانستند، ارائه نمود. پس از ایشان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با مطرح نمودن تعبیری جدید از جمهوری اسلامی به نام مردم‌سالاری اسلامی و تأکید بر استعمال آن برای گفتمان‌سازی، در پی بسط و تکمیل نظریه سیاسی امام خمینی (ره) برآمد. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب رویکرد نهادگرایی بر مبنای پرسش از نقش و جایگاه مردم در نظام مردم‌سالاری دینی در اندیشه و عمل رهبری کنونی جمهوری اسلامی، به دنبال پاسخ به این پرسش است. در بخش اول، با طرح سابقه مردم‌سالاری، تعریفی از این مفهوم ارائه می‌شود. در بخش بعد در جستاری نظری، به تبیین اندیشه رهبری از جایگاه و نقش مردم در مردم‌سالاری اسلامی پرداخته می‌شود. سپس در گام بعدی چارچوب نهادگرایی و ارتباط نهادگرایی با مردم‌سالاری، مطرح می‌شود و در ادامه دیدگاه رهبری از جایگاه و نقش مردم در نهادهای برآمده از مردم‌سالاری اسلامی بیان می‌گردد و در نهایت نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحث ارائه خواهد شد.

۲- چارچوب تحلیلی نهادگرایی؛ نهادها و مردم‌سالاری

در تحلیل اطلاعات این پژوهش جایگاه و نقش مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی از منظر رهبری، از روش نهادگرایی استفاده شده است. نهادها در اشکال مختلف آن، حیات انسانی را در بر گرفته‌اند و کنش‌های فردی و جمعی عمیقاً تحت تأثیر جهت‌دهنده این نهادهاست. نهادها مجموعه‌ای انتزاعی از الگوها و شیوه‌های رفتاری هستند که از آداب و رسوم، ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادات جامعه منشأ گرفته و در اثر کنش و واکنش اجتماعی تشخیص و تحقق یافته و به تدریج به تصویب و تثبیت رسیده و نهاد دارای دوام، عمومیت، پویایی، نظم و پیچیدگی است، کنترل‌کننده رفتار افراد جامعه است و به وسیله آن تمایلات و نیازهای اساسی اجتماعی ما تأمین می‌گردد. در تاریخ اندیشه‌ورزی سیاسی، اولین تفکر نظام‌مند درباره زندگی سیاسی در رابطه با طبیعت نهادهای حکومتی بوده است. از دیدگاه اندیشمندان اجتماعی و سیاسی طبیعت بی‌ثبات رفتار فردی و نیاز به هدایت به سمت اهداف جمعی، نیازمند نهادهای سیاسی تشکیل یافته بوده است.

فایده‌ی نهادهای سیاسی در مردم‌سالاری و تعیین جایگاه مردم از آن‌روست که نهادهای سیاسی تخصیص قدرت سیاسی قانونی را تنظیم و قانونمند می‌کنند. وقتی بر سر این که کدام سیاست باید اجرا شود منازعه درمی‌گیرد، قدرت سیاسی، سنجه‌ای از میزان نفوذ یک گروه (فرد خاص) در عرصه‌ی سیاسی است. اگر حکومت‌کنندگان غنی و قدرتمند باشند معمولاً طیفی از سیاست‌ها در جانب‌داری از اغنیا به‌جای فقرا را داریم (عجم اغلو و رابینسون، ۱۳۹۱: ۲۷۱) قدرت سیاسی با ارزش است و همه‌ی گروه‌ها دوست دارند به هر طریقی قدرت سیاسی بیشتری را در آینده برای خود تضمین کنند. نهادهای سیاسی به سبب «مزیت بادوام بودن» می‌توانند بر تخصیص قدرت سیاسی در آینده تأثیر بگذارند. نهادسازی شهروندان را قادر می‌سازد که نه تنها امروز بلکه در آینده نیز نسبت به رژیم جایگزین که غیر دموکراتیک است، قدرتمندتر باشند؛ بنابراین نهادسازی یک روش انتقال قدرت سیاسی به شهروندان است. اگر شهروندان بتوانند دموکراسی را امروز تضمین کنند، قدرت سیاسی قانونی خود را در آینده افزایش خواهند داد، زیرا مادامی که دموکراسی بقا پیدا می‌کند، آن‌ها قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در تعیین سیاست‌ها خواهند داشت.

چگونه شهروندان اطمینان می‌یابند که جامعه دموکراتیک می‌شود؟ آن‌ها در صورتی به این اطمینان می‌رسند که قدرت سیاسی کافی داشته باشند. روشن است که در وضعیت غیردموکراسی، شهروندان از رأی دادن محروم هستند یا دست کم، اهمیت اندکی دارد؛ بنابراین چگونه می‌توانند قدرت سیاسی پیدا کنند؟ پاسخ این است که بخشی از قدرت سیاسی در قوانین و بخش دیگر آن می‌تواند به شکل قدرت سیاسی در عمل درآید. شهروندان مادامی می‌توانند در غیردموکراسی قدرت داشته باشند که زمینه‌ساز تهدیدی معتبر به انقلاب یا ناآرامی اجتماعی به شکلی جدی شوند. منظور از «قدرت سیاسی» و هر نوع حاکمیت سیاسی شامل قدرتی است که از نهادهای سیاسی صادر می‌شود. توانایی شهروندان و به چالش کشیدن نظام و به راه انداختن یک کودتا را در برمی‌گیرد که به معنای روش‌های عملی در کسب قدرت است. به عبارت دیگر، قدرت سیاسی قانونی یا عملی هر آن چیزی است که



یک گروه را قادر می‌سازد که به سیاست‌های مرجح خویش نزدیک شود (همان: ۱۹-۳۸).
می‌توان موضوعات ذکر شده را به شکل زیر خلاصه کرد:

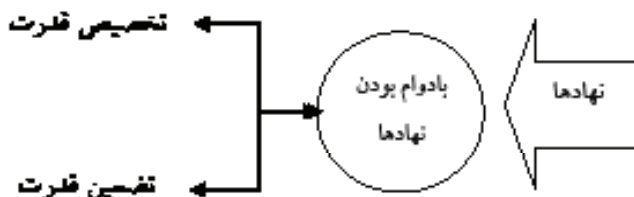
قدرت سیاسی ← نهادهای سیاسی t ← نهادهای سیاسی t + 1 ← قدرت سیاسی قانونی t + 1

گروه‌هایی که امروزه قدرت سیاسی دارند می‌توانند نهادهای سیاسی برپا سازند و یا حمایت سایرین را که از این گروه‌ها جانب‌داری می‌کنند جلب کنند. این نهادهای سیاسی ماندگار هستند و تخصیص قدرت سیاسی در آینده را کنترل می‌کنند؛ بنابراین نهادسازی در راستای دموکراسی، شهروندان را قادر می‌سازد تا قدرت سیاسی خویش را در آینده افزایش دهند؛ اما چرا شهروندان برای کسب اطمینان از قدرت سیاسی آینده خویش به نهادهای سیاسی نیاز دارند؟ مگر نه این است که آن‌ها امروز قدرت سیاسی در دست دارند. وضعیتی را تصور کنید که شهروندان اگرچه امروز قدرت سیاسی عملی دارند، اما انتظار ندارند فردا قدرت سیاسی مشابهی داشته باشند. در این وضعیت آن‌ها مجموعه نهادهایی را طلب می‌کنند که قدرت سیاسی‌شان را محفوظ دارد، این دقیقاً کاری است که نهادهای دموکراتیک انجام می‌دهند. قدرت عملی شهروندان که از رویدادهای غیرعادی مثل بحران سیاسی یا پایان جنگ حاصل می‌شود، نهادینه شده و با برپایی انتخابات نسبتاً آزاد و عادلانه که در آن آرای همه مردم و نه بخشی از آن‌ها شمارش می‌شود، تبدیل به قدرت سیاسی آتی می‌شود.

۲-۱- نهادهای ازار تضمین و تعهد به مردم‌سالاری

مسئله «تضمین یا تعهد» در سیاست، بدان خاطر مطرح می‌شود که گروه‌های برخوردار از قدرت قول‌هایی برای آینده می‌دهند اما عمل به این قول‌ها بعداً به نفعشان نیست. آن‌ها ترجیح خواهند داد قول خود را زیر پا گذارند و به مسیری متفاوت بازگردند یا سیاست‌های متفاوتی را انتخاب کنند؛ چون گروه در رأس قدرت نمی‌تواند قولی معتبر درباره سیاست‌های معین بدهد، این مسئله را «تعهد» می‌نامیم. مسئله تعهد، پیوند عمیقی با این واقعیت دارد که در زمان آینده، قدرت در دست یک گروه خاص خواهد بود و آن‌ها می‌توانند این قدرت سیاسی را

به سمت سیاست‌هایی متفاوت از آنچه قولش را داده بودند، برگرداندند (همان: ۱۹۱-۲۶۷). با این شرح واقعه نهادها به‌عنوان ابزار تعهد مفید هستند چون بر تخصیص آینده قدرت سیاسی تأثیر می‌گذارند، خاصیت دوام آوری نهادها و توانایی اعمال‌نمود بر تخصیص قدرت در آینده، آن‌ها را به‌عنوان یک ابزار تعهد، بسیار باارزش می‌سازد. به بیان ساده، اگر یک گروه خاص بخواهد تعهدی برای حرکت در یک مسیر بدهد، برای معتبر ساختن آن تعهد چه روشی بهتر از این وجود دارد که قدرت بیشتر را به آن طرفی بدهیم که خواهان طی شدن این مسیر است؟



نمودار (۱) کار ویژه سیاسی نهادها

این تغییر نهادی در عمل با چه چیزی مطابقت دارد؟ چگونه به این تعهد دست می‌یابیم؟ با تأمل در این پرسش‌ها نقش نهادها در این بستر خاص و به شکلی کلی‌تر نقش آن در رویکرد این پژوهش به نهادهای سیاسی و دموکراسی‌سازی روشن می‌شود. این به خاطر همان ویژگی مهم نهادها یعنی «بادوام بودن نهادها» است که اشاره کردیم. نهادهای سیاسی قانونی، تعیین می‌کنند چه کسی می‌تواند چه اقدامی را چه وقت انجام دهد و شهروندان از طیف‌های مختلف فکری مطمئن می‌شوند که می‌توانند به آنچه می‌خواهند برسند.

۳- مردم‌سالاری اسلامی (تعریف و پیشینه تاریخی)

مردم‌سالاری اسلامی مفهومی نوظهور در ادبیات سیاسی ایران و جهان است که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به شکل جدی توسط امام خمینی (ره) در قالب جمهوری اسلامی مطرح و سپس در راستای آرا و نظرات ایشان توسط رهبری مطرح، بومی‌سازی و گفتمان‌سازی شد. هرچند که همواره در تاریخ اسلام بحث از کسب قدرت برای اجرای احکام اسلامی مطرح بوده است، لیکن توجه به خواست و اراده مردم و اصالت بخشیدن به آن در کنار خواست

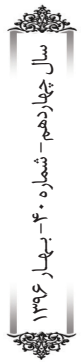
و اراده الهی که محاط بر آن است در تاریخ سیاسی اسلام مسبوق به سابقه دیرینی نیست و الگویی نوین به‌شمار می‌آید که حاصل خلاقیت و ابداع امام خمینی (ره) با الهام از آرا و نظرات علمای اسلامی است.

تاکنون تعریف‌های متعددی از مردم‌سالاری اسلامی توسط صاحبان آرا و افکار مختلف ارائه شده است. این تعریف‌ها حول محور دین، امکان و امتناع وقوع این مفهوم را در عرصه عمل به بحث کشانده است. قائلان به امتناع این مفهوم بر این باورند که «ترکیب مردم‌سالاری دینی» ترکیبی ناسازوار است. از نظر آنان، این ترکیب دربرگیرنده دو عنصر مفهومی است که هیچ‌گونه ارتباطی را نمی‌توان میان آن‌ها برقرار نمود (میراحمدی، ۱۳۸۸: ۹) از این رو آنان قائل به جمع اراده‌ها نیستند و تأکید بر انتخاب یکی از دو نوع اراده الهی و یا اراده بشری به‌عنوان مبنا و منبع اداره جامعه و جعل قوانین دارند. از سویی دیگر، قائلان به امکان مفهومی مردم‌سالاری اسلامی معتقدند مردم‌سالاری دینی ترکیبی سازوار به‌شمار می‌آید و به‌رغم پذیرش شکل‌گیری اولیه مردم‌سالاری در سنت فکری غرب، بر این اعتقادند که این امر مانع چنین ترکیبی نیست و اصولاً دین در معنای عام و اسلام در معنای خاص نه تنها هیچ‌گونه تعارضی با دموکراسی ندارد بلکه حکومت اسلامی را حکومتی ذاتاً مردم‌سالار و مردم‌محور می‌داند و معتقدند که اگر اصل در دموکراسی مبارزه با استبداد و اقتدارگرایی است، اسلام در ذات خود به‌طریق‌اولی با دیکتاتوری و استبداد ضدیت و تعارض دارد. دموکراسی، تنها شیوه‌ای برای اداره جامعه است که در سنت غربی با سکولاریسم پیوند خورده است و گرنه در غوغای طرح انواع دموکراسی‌ها، هرگز عرصه بر طرح دموکراسی دینی بسته نیست، هم‌چنانچه این الگو در عمل شکل گرفته و از انواع دیگر آن موفق‌تر بوده است. این الگو مبتنی بر مشروعیت الهی و حق تعیین سرنوشت برای مردم است. در تعریف این الگو می‌توان گفت مردم‌سالاری دینی الگویی بومی است که در مخالفت با «یکه‌سالاری» و «اندک‌سالاری» مشارکت و حاکمیت مردم را با مرجعیت دین به رسمیت می‌شناسد و «نظام‌سازی» آن‌ها، از طریق «نهادهای دین‌محور و مردم‌گرا» تحقق می‌یابد.



۳-۱- مردم‌سالاری اسلامی در ایران

دموکراسی در ایران قبل از انقلاب هیچ‌گاه متولد نشد و یا اگر شد ناقص به دنیا آمد و به‌سرعت هم از بین رفت. در تمام دوران حکومت‌های پادشاهی در ایران، دولت‌ها همواره در صدد ساختن قدرت خود بودند. در دو قرن گذشته همواره مبارزاتی توسط جریان‌های ملی و مذهبی و برخی از دیگر جریان‌ات سیاسی ترقی‌خواه در جهت محقق ساختن دموکراسی در این سرزمین صورت گرفت که همه آن‌ها مختوم به شکست شدند. در دوران پهلوی دوم به دلیل وجود فشارهای داخلی و خارجی، نمایی از یک دموکراسی بسیار نازل بر محوریت ناسیونالیسم مدرن به نمایش درآمد که همین مقدار نیز پس از مدتی با دیکتاتوری سلطنتی پهلوی راه به جایی نبرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی جریان اسلام‌گرا با عناصر و نشانه‌هایی همچون اسلام، تشیع، امامت، فقاقت، ملت و ... در ضدیت با جریان‌ات سوسیالیستی، لیبرالیستی و سلطنتی تصویری آرمانی از جامعه‌ای مبتنی بر اراده مردم تحت اراده الهی ارائه داد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. امام خمینی (ره) با طرح مدل جمهوری اسلامی و گذاردن آن به آرای عمومی، اولین قدم را در تحقق مردم‌سالاری واقعی برداشت. در واقع مردم‌سالاری با جمهوری اسلامی در ایران تحقق پیدا کرد. در میان جریان‌ات اسلام‌گرا، بودند افرادی که دموکراسی را در تعارض با اسلام می‌دانستند و مضمون حکومت اسلامی را جاری شدن اراده الهی و جریان‌بخشی به قوانین الهی می‌شمردند و ملت را فاقد اراده تأثیرگذار بر مشروعیت، جعل قوانین و اداره امور کشور می‌دانستند؛ بالین حال امام خمینی (ره) با نگرشی ژرف که به اسلام و آموزه‌های آن داشت راهی بدیع برای تحقق حاکمیت مردم با مرجعیت دین ارائه نمود که به سخن ایشان صفاتی برتر از دموکراسی غربی نیز دارد. پس از امام (ره)، طرح مردم‌سالاری اسلامی از سوی رهبری در سال ۱۳۷۹ همان جمهوری اسلامی به بیانی دیگر است که به گفته ایشان: «در مکتب سیاسی امام (ره) مردم‌سالاری از



متن دین برخاسته است، از «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» برخاسته است، از «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِبَصَرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ»^۲ برخاسته است. ما این را از کسی وام نگرفته‌ایم» (بیانات در پانزدهمین سالگرد ارتحال امام، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴)؛ بنابراین مردم‌سالاری دینی مفهومی در برابر جمهوری اسلامی نیست بلکه کثرت استعمال آن توسط رهبری دال بر وجود ظرفیت بیشتر و بار معنایی گسترده‌تر برای تبیین نقش مردم در نظام اسلامی است.

از سوی دیگر، می‌توان مردم‌سالاری اسلامی را پاسخی به تحولات دوران اصلاحات دانست. منازعات درون‌گفتمانی اسلام‌گرایان در دوران اصلاحات که ناظر بر توسعه سیاسی و اصلاحات اجتماعی بود، ضرورت طرح برداشت نویی از جمهوری اسلامی را ایجاد می‌نمود. طرح مردم‌سالاری اسلامی از سوی رهبری، پاسخی به فضای آشفته فکری طالبان دموکراسی و فقدان فهم عمیق از دموکراسی در شکل غربی آن بود. از همین روی بود که ایشان جایگاه مردم را در فقه سیاسی اسلام جایگاهی اصیل و در ذات دین اسلام می‌دانند و می‌فرمایند: «مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه اسلامی دارد. وقتی ما می‌گوییم در نظام اسلامی، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند، پایه و اساس حق مردم در این انتخاب خود اسلام است، لذا مردم‌سالاری ما که مردم‌سالاری دینی است دارای فلسفه و مبناست. چرا باید مردم رأی دهند؟ چرا باید رأی مردم دارای اعتبار باشد؟ این متکی بر احساسات توخالی و پوچ و مبتنی بر اعتبارات نیست، مبتنی بر یک مبنای بسیار مستحکم اسلامی است.» (بیانات در مرقده امام خمینی، ۱۳۸۰/۰۳/۱۴).

بنابراین مردم‌سالاری دینی چه تعبیری جدید از جمهوری اسلامی باشد و چه محصول منازعات درون‌گفتمانی جریان اصلاحات، امروزه دیگر شجره مبارکی است که ثمره آن تحقق حقوق حقه شهروندان در نظام اسلامی است.

۱. اشاره است به آیه: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ (شوری، ۳۸) «و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میان خود، مشورت است و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند».

۲. اشاره است به آیه: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِبَصَرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ (انفال، ۶۲) «و اگر بخواهند تو را بفریبند، [یاری] خدا برای تو بس است؛ همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید».

۴- تبیین اندیشه رهبری از جایگاه و نقش مردم در مردم‌سالاری اسلامی

مردم‌سالاری اسلامی را می‌توان از دو منظر مورد دقت قرار داد؛ اول، مردم‌سالاری اسلامی به‌مثابه ترکیبی از دموکراسی و دین برای پاسخ به مطالبات دموکراسی خواهانه مردمی مسلمان در قرن بیستم و دوم مردم‌سالاری اسلامی به‌عنوان مفهومی اصیل و دارای هویت که قائم به خود است و اعتبارش وام‌دار هیچ مفهوم دیگری نیست. در دیدگاه نخست، اصلی به‌عنوان مردم‌سالاری دینی وجود ندارد، بلکه این مفهوم محصول تلاشی است برای پاسخ به مطالبات دموکراسی خواهانه و در این دیدگاه از آنجاکه دین قادر به پاسخ به این مطالبات نیست، بنابراین سعی می‌شود با ترکیب دو عنصر «دموکراسی و دین» اقتباسی ترکیبی که هم پاسخگوی دغدغه‌های اسلامی مردم و هم مطالبات دموکراسی خواهانه آنان باشد، به دست آید؛ بنابراین مردم‌سالاری اسلامی، مفهومی تقلیل‌گرایانه از هر دو عنصر مردم‌سالاری و دین برای پاسخ به اقتضائات زمانی است و نیاز دارد که تمامی شئون نظری و عملکردی آن ساخته شود و به‌عنوان الگویی جدید معرفی شود.

از منظر دوم که مقام معظم رهبری نیز در این طیف جای می‌گیرند، مردم‌سالاری اسلامی «مفهومی واحد، اصیل و دارای هویت» است که در دل آموزه‌های اسلامی از قرن‌ها قبل به شکل بالقوه وجود داشته و اکنون به منصه ظهور رسیده است. از این منظر، «مردم‌سالاری دینی به معنی ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست، بلکه یک حقیقت واحد و جاری در جوهره نظام اسلامی است، چراکه اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود ضمن آن‌که تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست» (بیانات در دیدار اعضای شورای عمومی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور، ۱۳/۱۰/۱۳۷۹) «مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ این‌طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق بکنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم، نه خود این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است. مردم‌سالاری هم دو سر دارد که من در یک جلسه دیگر هم به بعضی از مسئولان این نکته را گفتم. یک سر مردم‌سالاری عبارت است از این‌که

تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت بگیرد، یعنی مردم نظام را انتخاب می‌کنند؛ سر دیگر قضیه مردم‌سالاری این است که حالا بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آن‌ها وظایف جدی و حقیقی داریم. بعضی دوستان این روایات را از نهج‌البلاغه و غیر نهج‌البلاغه جمع کردند ... نه سر مردم منت بگذارید که ما این کارها را برای شما کردیم یا می‌خواهیم بکنیم، نه درباره آنچه برای مردم انجام دادید، مبالغه کنید» (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳). «مردم‌سالاری دینی یک حقیقت است. آقایان خیلی زحمت کشیده‌اند و نشسته‌اند فکر کرده‌اند و می‌گویند مردم‌سالاری دینی در درون خود حاوی یک تناقض است؛ به قول خود آقایان یک قضیه متناقض است، نه خیر نیست، یک قضیه کاملاً مستقیم، عملی و صحیح است. مردم‌سالاری دینی را تبیین کرده‌ایم، پایه‌های آن را مستحکم و به آن عمل کرده‌ایم، چطور نظریه متناقض است که بیست و سه سال است دارد تحقق پیدا می‌کند؟» (پیام به گردهمایی دفتر تحکیم وحدت، ۱۳۸۱/۰۵/۲۷).

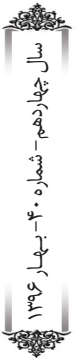
در منظومه فکری ایشان، مردم‌سالاری، مفهومی غربی مبتنی بر لیبرالیسم نیست بلکه هر جماعتی با در نظر گرفتن فلسفه اجتماعی و نظام ارزشی خود، می‌تواند الگویی بومی از مردم‌سالاری را ارائه دهد. مردم‌سالاری اسلامی نیز «الگویی بومی مبتنی بر فلسفه اجتماعی اسلام» است که دارای اصالتی تاریخی است. آموزه‌های اسلام در جوهر خود هرگونه استبداد و دیکتاتوری را نفی و مردم را حاکم بر سرنوشت خود می‌داند. «دین برای حکومت‌ها در مقابل مردم مسئولیت جدی قائل است، دین، استبداد و دیکتاتوری را از هیچ حاکمی و تحت هیچ عنوانی نمی‌پذیرد» (بیانات در همایش جهان اسلام چالش‌ها و فرصت‌ها، ۱۳۸۲/۱۰/۲). در اندیشه ایشان، این مدل حکمرانی از آن جهت که اسلامی است، پس مردم‌سالار نیز هست، چراکه دموکراتیک بودن آن به معنی توجه به اراده بشری را، خود تضمین کرده است. از همین روی، مردم‌سالاری دینی از درجه متری تری در مقایسه با دموکراسی غربی برخوردار است. ایشان در تبیین جایگاه مردم در مردم‌سالاری دینی در قیاس با دموکراسی‌های غربی چنین می‌فرمایند: «مبنای مردم‌سالاری دینی با مبنای دموکراسی‌های غربی متفاوت است.

مردم‌سالاری دینی که مبنای انتخابات ماست و برخاسته از "حق و تکلیف الهی انسان" است، صرفاً یک قرارداد نیست. همه انسان‌ها حق انتخاب و حق تعیین سرنوشت دارند، این است که انتخابات را در کشور و نظام جمهوری اسلامی معنا می‌کند. این بسیار پیشرفته‌تر و معنادارتر و ریشه‌دارتر از چیزی است که امروز در لیبرال دموکراسی غربی وجود دارد» (بیانات در شانزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام، ۱۳۸۴/۰۳/۱۴).

در این نگاه به نقش مردم، دو اصل اساسی وجود دارد که در دموکراسی غربی موجود نیست: اول آن‌که، اصولاً مشارکت در اداره امور، حق مردم است که قرین با مقام انسان بودن است، به تعبیری دیگر انسان به حکم انسان بودن حق تعیین سرنوشت خویش را دارد و این حق، از سوی خالق، به او داده شده است و کسی نمی‌تواند از او بگیرد و دیگران نمی‌توانند ادعای دادن حق مشارکت در سرنوشت سیاسی را به او بدهند و این همان کاری که غربی‌ها مدعی آن هستند. دوم آن‌که، فراتر از این، بنا بر آموزه‌های اسلامی که اساس نظریه مردم‌سالاری دینی را تشکیل می‌دهد، حق تعیین سرنوشت و مشارکت در اداره امور و حساس بودن نسبت به تصمیم‌گیری‌ها و افعال و اعمال حاکمان نه تنها حق انسان است، بلکه تکلیف او نیز است.

۵- امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی برای نظارت بر نهاد قدرت

زندگی در اجتماع، اقتضای انسان بودن انسان است؛ او موظف است که نسبت به مسائلی که در پیرامون او رخ می‌دهد حساس و کنشگر باشد. از این منظر وجه دیگر تعیین جایگاه و نقش مردم در مردم‌سالاری اسلامی، «نظارت بر قدرت و اصحاب قدرت در چارچوب قاعده امر به معروف و نهی از منکر» است که از اصلی‌ترین پایه‌های حکمی اسلام است. همین قاعده توجیه‌کننده تحقق اراده مردم در حاکمیت بر سرنوشت خود است. این امر در نهاد حقوقی نظام مردم‌سالار دینی نیز گنجانده شده و به‌عنوان ضمانت اجرایی دخالت اراده مردم در حاکمیت است. یکی از مهم‌ترین تعالیم اجتماعی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است که بر حق کنترل و نظارت عمومی مردم در جامعه سیاسی نیز دلالت می‌کند و دربردارنده موضوع مشارکت مردمی و نقش مردم در سیاست و اجتماع است. اگر مردم در



جامعه سیاسی، حق تصرف و دخالت در مقدرات سیاسی خود را نمی‌داشتند، هرگز مکلف به چنین وظیفه خطیری (نظارت همگان بر همگان) هم نمی‌شدند. پس مردم به واسطه این امر موظف‌اند تا در امور جامعه مشارکت سیاسی فعال داشته باشند (مقیمی، ۱۳۸۸: ۲۳۹) محقق نائینی برای اثبات مشروعیت حقوق سیاسی مردم، ضمن اشاره به شورایی بودن حکومت اسلامی و پرداخت مالیات از طرف مردم، به اصل تکلیف «نهی از منکر» اشاره و برای مردم، حق مراقبت و نظارت سیاسی قائل شده است: «گذشته از آن‌که نظر به شورایی بودن اصل سلطنت اسلامی چنانچه سابقاً بیان شد، عموم ملت از این جهت و هم از جهت مالیاتی که برای اقامه مصالح لازم می‌دهند، حق مراقبت و نظارت دارند و از باب منع از تجاوزات، در باب نهی از منکر مندرج و به هر وسیله که ممکن شود، واجب است و تمکن در آن در این باب به انتخاب ملت متوقف است» (نائینی، ۱۳۷۸: ۷۷-۷۸). در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران، امر به معروف و نهی از منکر در سطح نهاده شده آن و به صورت تخصصی مورد توجه قرار گرفته است. در این آیه می‌خوانیم:

﴿وَتَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱
(آل عمران، ۱۰۴) «و باید از میان شما، گروهی، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند».

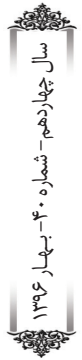
درواقع این آیه از مؤمنان خواسته است که در قالب «یک گروه»، این فریضه را نهاده‌اند نمایند و نظارت همگانی و عمومی، در قالب این گروه شکل یابد؛ بنابراین آموزه شورا و امر به معروف و نهی از منکر، «پذیرش مشارکت عمومی در اسلام در تصمیم سازی و تصمیم‌گیری» را نشان می‌دهد. مقام معظم رهبری بیان می‌کنند: «موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لَيَسْلُطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ».^۱ قوام

۱. اشاره است به کلام رسول گرامی اسلام ﷺ (نهج الفصاحه: ۶۲۴). این مطلب به نقل از حضرت علی (علیه السلام) چنین آمده است: تَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْلُطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَيَنْتَهَكُنَّ الْعَاقِلَ مِنْكُمْ خِيَارًا ثُمَّ لَيَسْلُطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوا

حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار، به این است که در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر باشد. امر به معروف فقط این نیست که ما، برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم. آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهم‌ترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظف می‌کنند که آحادش باید دیگران را به معروف امر و از منکر نهی کنند، این به چه معناست؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت امر به معروف و ناهی از منکر باشند؟ وقتی که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف‌شناس و منکرشناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است؛ یک حضور عمومی است؛ یک همکاری عمومی است؛ یک معرفت بالا در همه است. امر به معروف، این‌هاست» (بیانات در دیدار روحانیون، ۱۳۷۱/۵/۷). موضوع دیگری که در تبیین نقش و جایگاه مردم در مردم‌سالاری اسلامی از دید رهبری مطرح است، مؤلفه «توجه به کرامت انسان» است. برخلاف شعارهای حقوق بشر غربی، کرامت انسان از زمان بعثت پیامبر عظیم‌الشان اسلام و ابلاغ دین مبین اسلام قرین با معارف اسلامی بوده و خداوند متعال در کتاب مقدس با صراحت آن را بیان نموده است:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء، ۷۰) «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». در تعریف «کرامت» بیان آیت‌الله جوادی آملی به نظر جامع و کامل می‌رسد؛ ایشان در این مورد می‌نویسد: کرامت همان نزاهت از پستی و فرومایگی است. کریم غیر از کبیر و عظیم است. کریم معنایی دارد که شاید در فارسی معادل بسیط نداشته باشد، لذا اگر ما خواسته باشیم کلمه کریم را به فارسی ترجمه کنیم باید چند کلمه را کنار هم بگذاریم تا معنای کریم روشن شود. روح بزرگووار و منزه از هر پستی را کریم گویند (یدالله‌پور، ۱۳۸۹). قبول کرامت انسانی بالطبع حقوق خاصی را برای نوع بشر

خِذَاكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ ثُمَّ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ عَذَابٌ أَلِيمٌ مجموعهُ ورام، ج ۲: ۸۶).



مترتب می‌کند و حق تمتع از این حقوق را به او می‌دهد. انسان موجودی است که به دلیل دارا بودن برخی ویژگی‌ها مانند عقل و روح و... مشمول عنایت خاص الهی شده و کرامت یافته است و به واسطه این کرامت مادامی که وصف انسانیت بر او صادق باشد از حقوقی برخوردار می‌شود. این حقوق را در نظام مردم‌سالاری اسلامی می‌توان در قانون اساسی دید. حقوقی مانند تساوی و برابری همگانی، حقوق فرهنگی و اجتماعی، حقوق قضایی و سیاسی، حق برخورداری از آزادی‌های فردی و اجتماعی و ... همگی دال بر این معنی هستند که چون وجود انسان بهره‌مند از کرامت است، در نتیجه اراده و خواست او ذیل اراده الهی و مقدم بر هر چیز دیگری است. رهبری با علم به این موضوع می‌فرماید: «در مردم‌سالاری دینی و در شریعت الهی این موضوع مطرح است که مردم باید حاکم را بخواهند تا او مورد قبول باشد و حق داشته باشد که حکومت کند. ای کسی که مسلمانی چرا رأی مردم معتبر است؟ می‌گوید چون مسلمانم، چون به اسلام اعتقاد دارم و چون در منطق اسلام، رأی مردم بر اساس کرامت انسان پیش خدای متعال معتبر است» (بیانات در دیدار با استادان و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶)؛ بنابراین این اعتقاد به اسلام، نظام مردم‌سالار دینی را ملزم به احترام به رأی و نظر مردم می‌کند و مقبولیت آن را درگرو پذیرش مردم می‌داند.

با مروری بر کلام و اندیشه ایشان، به این مطلب خواهیم رسید که از نگاه ایشان مردم‌سالاری دینی به معنای تأثیرگذار بودن مردم در تشکیل حکومت و تعیین حاکم و مسئولین نظام سیاسی اسلامی است و این به معنای نقش‌آفرینی مردم در مشروعیت بخشی به نظام مردم‌سالاری اسلامی است. ایشان در عباراتی در تبیین مردمی بودن حکومت چنین می‌فرماید: «مردمی بودن حکومت در اسلام به دو معناست: یکی این که مردم در "اداره و تشکیل حکومت" و تعیین حاکم و شاید در تعیین رژیم حکومتی و سیاسی نقش دارند. دیگر آن که حکومت اسلامی در خدمت مردم است نه منافع اشخاص یا قشر و طبقه معین. اسلام به هر دو معنا دارای حکومتی مردمی است؛ اما تا وقتی که حکومت مردمی به معنای اول تأمین نشود و مردم در حکومت نقشی نداشته باشند، نمی‌شود گفت حکومتی مردمی و در خدمت مردم است.

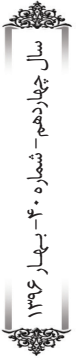
این ادعا که یک حکومت بدون آن که با مردم خود ارتباط مستقیم داشته و متکی به آرای مردم باشد، خود را مردمی بشمارد، ادعای پذیرفتنی نیست. نمی‌توانند ثابت کنند که مردمی‌اند، چون حکومت‌های تحمیلی هم خود را مردمی قلمداد می‌کنند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۲/۵/۱۴). از این رو مردم‌سالاری دینی دارای دو وجه است که یک وجه آن نقش مردم در تشکیل حکومت و انتخاب مسئولان، و وجه دیگر آن، رسیدگی به مشکلات مردم است که بر همین اساس مسئولان باید مشکلات مردم را به‌طور جدی پیگیری و رسیدگی نمایند... (بیانات در دیدار فرمانداران کشور، ۱۳۷۹/۸/۳۰؛ سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

۶- تبیین دیدگاه رهبری از جایگاه و نقش مردم در نهادهای برآمده از مردم‌سالاری اسلامی

۱-۶- نهاد انتخابات

مشارکت مردمی نهادینه، به‌عنوان شرط نظام سیاسی مردم‌سالار و انتخابات به‌عنوان «نماد نهادی» شفاف و روشن و ابزاری مسالمت‌آمیز برای تحقق این نوع مشارکت مورد تأکید این پژوهش است. در باب اعتبار انتخابات در راستای تحقق دموکراسی اختلاف‌نظر زیادی وجود دارد. برخی از اندیشمندان قائل به فقدان مطلوبیت انتخابات از لحاظ مراجعه به افکار عمومی هستند که نه آگاهی و نه صلاحیت انتخاب نمایندگان خود را دارد و متأثر از فضای تبلیغاتی و اجتماعی تصمیمات ناصوابی می‌گیرد که می‌تواند سرنوشت یک کشور را به‌سوی تباهی سوق دهد. در مقابل برخی دیگر قائل به چسبندگی انتخابات با ذات دموکراسی دارند و راهی جز انتخابات برای تحقق خواست و اراده عمومی متصور نیستند. از نظر تاریخی نقشی که انتخابات در طی دوران‌های گذار به دموکراسی به‌ویژه در موج سوم ایفا کرده است و با رقابت و مشارکت سیاسی به‌عنوان ارکان اصلی دموکراسی در قالب انتخابات نمود پیدا کرده‌اند، مؤید این امر است. انتخابات، به‌ویژه در موج سوم دموکراسی، نه فقط زنده‌کننده دموکراسی، بلکه وسیله مرگ دیکتاتوری هم هست (هانتینگتون، ۱۳۷۲: ۱۲۰).

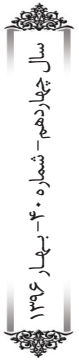
انتخابات به‌عنوان یک نهاد، در عمل، کار ویژه‌هایی حیاتی برای جامعه و نظام سیاسی دارد؛ مجموعه نسبتاً باثباتی از قواعد و کردارهاست که رفتار مناسب را برای بازیگران و



گروه‌های سیاسی در شرایط خاص تعریف می‌کند، به مشروعیت بخشی و تبیین هویت‌های خاص کمک می‌کند و به زندگی سیاسی سامان می‌دهد؛ چراکه روابط و تعامل سیاسی را سامان می‌دهد، رفتار سیاسی را هدایت می‌کند و انتظارات و توقعات را ثابت می‌بخشد. نهاد انتخابات می‌تواند راهبردها و پیامدهای سیاسی را تقویت یا محدود کند؛ به عبارت دیگر، چگونگی شکل‌گیری تصمیمات اجتماعی متقابل افراد در سپهر سیاست را توضیح می‌دهد و انتظارات رفتاری اجتماع را مستدل و توجیه می‌کند و به همراه آن اعتماد متقابل بین افراد برقرار می‌سازد؛ انتخابات به‌عنوان یک ساختار اجتماعی نهادی، ساختارها و سازوکارهای نظم و همکاری در رفتار گروه‌های انسانی را در اجتماعات معین راهبری می‌کند. نهاد انتخابات دارای دوام، عمومیت، پویایی، نظم و پیچیدگی است و کنترل‌کننده رفتار افراد جامعه است و به‌وسیله آن بخش مهمی از تمایلات و نیازهای اساسی اجتماعی تأمین می‌شود. انتخابات با میزانی از ثبات در طول زمان دو کار ویژه «تنظیم و تخصیص قدرت سیاسی» و «تضمین و تعهد مردم‌سالاری» را داراست که تداوم قدرت در دست شهروندان را تضمین می‌نماید. همچنین نهاد انتخابات با تعیین قواعد و رویه‌های قانونی سرشت نظام را نشان می‌دهد و ترتیبات تصمیم‌گیری را مشخص می‌نماید؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد سازوکار انتخابات مشارکتی و رقابت‌آمیز و نهادینه‌شده، ابزاری اساسی برای رشد مردم‌سالاری است. ضمن این‌که تضمین‌کننده و تقویت‌کننده سایر ابزارها و پایه‌های مردم‌سالاری نیز به‌شمار می‌آید. به این معنا که به‌عنوان مثال آزادی تنها یک ایده آل نیست، بلکه یک تجربه هم هست و یکی از مصادیق آن آزادی انتخابات است. به نظر می‌رسد در دل آزادی انتخابات، آزادی اندیشه و فکر، آزادی تصمیم و اراده و آزادی عمل و اجرا نهفته است. در دوران رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به‌صورت میانگین هر سال یک انتخابات در ایران برگزار شده است. رهبری با بیان این موضوع که امکان تصور مردم‌سالاری دینی در ایران پس از انقلاب از طریق برگزاری منظم انتخابات فراگیر فراهم شده است فرمودند: «در ایران مردم‌سالاری واقعی وجود دارد. در بیست و یکی دو سال بعد از انقلاب، به‌طور متوسط هر یک سال یک انتخابات در این کشور واقع شده است و مردم در همه امور کشور دخالت کرده‌اند» (بیانات در دیدار با مردم

قم، ۱۹/۱۰/۱۳۷۹). همچنین ایشان در جای دیگر انتخابات را پایه مردم‌سالاری دینی و امری حقیقی و تأثیرگذار در راه تحقق مردم‌سالاری دینی دانسته و فرموده‌اند: «انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست. پایه نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه‌ها، انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد؛ این هم جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست» (بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۸۸).

ایشان از عناصر چهارگانه مردمی بودن حکومت نزد حضرت امام یاد می‌کنند که در آن جایگاه مردم در نهاد انتخابات به‌خوبی تبیین شده است و می‌گویند: عنصر دومی که امام به آن حداکثر توجه را کرد، عنصر «مردم» بود. تقریباً در همه نظام‌های حکومتی در دنیا، از مردم صحبت می‌شود و هیچ‌کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف مصلحت مردم کار کنم. حتی در رژیم‌های استبدادی سلطنتی موروثی، هیچ‌کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف میل مردم عمل کنم؛ بنابراین ادعای مردم‌گرایی وجود دارد؛ اما مهم این است که حقیقتاً در کجا برای مردم شأن و منزلت و حق و نقش قائل می‌شوند. وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه می‌کرد، لفاظی نمی‌کرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق و حقیقی خود قرار داد. عرصه اول، عرصه تکیه نظام به آرای مردم است. تکیه نظام به آرای مردم، یکی از میدان‌هایی است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آن‌ها باید در اینجا خود را نشان دهد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در تعالیم و راهنمایی‌های امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکا به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکا به اراده مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام

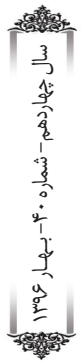


بزرگوار، هم در دوران حیات خود به شدت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیت‌نامه خود آن را منعکس و به مردم و مسئولان توصیه کرد. در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و سایر انتخاب‌هایی که می‌کنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد. مسئله اساسی که بنده بارها بر آن تأکید کرده‌ام، این است که اسلام‌گرایی در نظام اسلامی، از مردم‌گرایی جدا نیست. مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه اسلامی دارد. وقتی ما می‌گوییم «نظام اسلامی»، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردم‌سالاری ما که مردم‌سالاری دینی است دارای فلسفه و مبناست. چرا باید مردم رأی دهند؟ چرا باید رأی مردم دارای اعتبار باشد؟ این متکی بر احساسات توخالی و پوچ و مبتنی بر اعتبارات نیست؛ متکی بر یک مبنای بسیار مستحکم اسلامی است. پس یکی از عرصه‌هایی که امام همواره بر آن تأکید می‌کرد و آن را در ساخت نظام اسلامی کار گذاشت و برای همیشه آن را ماندگار کرد، مسئله حضور مردم در انتخاب مسئولان نظام و منتهی شدن مسئولیت‌ها به اراده و خواست مردم است. عرصه دوم، عرصه تکلیف مسئولان در قبال مردم است. وقتی ما می‌گوییم «مردم»، معنایش این نیست که مردم بیایند رأی بدهند و مسئول یا نماینده‌ای را انتخاب کنند؛ بعد دیگر برای آن مردم هیچ مسئولیتی وجود نداشته باشد؛ صرفاً همین باشد که اگر کسی می‌خواهد برای مردم کاری بکند، به این خاطر باشد که مردم بار دیگر به او رأی دهند؛ مسئله این نیست. در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه مسئولیت پیدا کردن مسئولان در کشور، این است که برای مردم کار کنند. مسئولان برای مردم‌اند و خدمتگزار و مدیون و امانت‌دار آنها هستند. مردم، محورند. عرصه سوم، بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور است؛ یعنی استعدادها را شکوفا کردن و معطل نگذاشتن. امام این فکر و این توجه را هم در این نظام نهادینه کرد که استعدادهای جوانان این کشور احساس توانایی کنند. عرصه چهارم، عبارت است از لزوم آگاه‌سازی مردم. خود امام در سنین بالای عمر - با

حال پیرمردی- از هر فرصتی استفاده کرد برای این که حقایق را برای مردم بیان کند (بیانات در دیدار فرمانداران سراسر کشور، ۱۳۷۹/۸/۳۰).

ایشان بر این باورند که مشارکت گسترده مردم در انتخابات تنها نشان از نقش برجسته آن‌ها در اداره امور کشور نیست بلکه فراتر از آن نشان‌دهنده نوعی بلوغ سیاسی یک ملت است که می‌خواهد خود نقش‌آفرینی کند و از این طریق مردم‌سالاری نظام خود را خود محافظت نماید. «آنچه ملت ایران همواره و اکنون، از حضور انتخاباتی پرشور و بی‌تنش به دست آورده است، تنها نقش‌آفرینی در مدیریت کشور و برگزیدن و برکشیدن خدمتگزارانی تازه‌نفس برای دوره‌ای تازه نیست، بلکه فراتر از آن، نشان دادن پختگی و بلوغ سیاسی‌ای است که اقتدار ملی او را با حکمت و عقلانیت درمی‌آمیزد و او را در افکار عمومی جهان، در رتبه‌ و الایی از عزت و شکوه می‌نشانند» (متن حکم تنفیذ یازدهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۹۲/۰۵/۱۲).

از سوی دیگر، آنچه در منظومه فکری رهبری و چارچوب مردم‌سالاری اسلامی، عنصر برتری این نظام سیاسی نسبت به سایر نظام‌های دموکراتیک است، بحث وظیفه دانستن مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات است. آنچه غرب ادعای آن را دارد این است که توانسته حق مشارکت سیاسی را برای شهروندانش محقق کند. حال گذشته از صحت و سقم این ادعا با گرفتن فرض تحقق حق مشارکت سیاسی بازهم مردم‌سالاری دینی از این حیث ارجح و اولی بر سایر مردم‌سالاری‌هاست چراکه مردم‌سالاری دینی داعیه تحقق حق مشارکت سیاسی را ندارد و معتقد است که اصولاً حق مشارکت سیاسی عجین با سرشت آدمی است و کسی نمی‌تواند آن را از بشر بگیرد که بخواهد مجدداً به او بازگرداند بلکه فراتر از این شهروندان نه تنها حق رأی دارند بلکه وظیفه و تکلیف الهی و انسانی برای شرکت در انتخابات دارند همان‌گونه که رهبر انقلاب می‌فرماید: «انتخابات، هم حق مردم است، هم وظیفه مردم است؛ هم باید حق را استنقاد کنیم، هم باید وظیفه را به‌خوبی انجام دهیم» (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۲/۰۲/۱۶). همین امر است که مشارکت گسترده مردم معتقد به دین اسلام را، تضمین می‌کند و همواره شاهد حضور با درصد بالای واجدان شرایط در انتخابات مختلف



هستیم که در برخی موارد، دو برابر میزان مشارکت در کشورهای غربی است. بنابراین انتخابات، نمود عملی مردم‌سالاری و میزان مشارکت، شاخصی مهم برای سنجش آن است. یکی از دغدغه‌های اصلی و همیشگی رهبر انقلاب نیز همین مسئله مشارکت مردم در انتخابات گوناگون بوده است که از نظر ایشان حتی مهم‌تر از انتخاب اصلح نیز است: «من بارها گفته‌ام که اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهم‌تر است؛ اگرچه انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد» (بیانات در دیدار با مردم جیرفت، ۱۳۸۴/۰۲/۱۷)؛ از همین روی نیز خود ایشان در کسوت رهبری که بالاترین مقام سیاسی کشور است، همواره حافظ و پاسدار این حق بزرگ مردم بوده‌اند و در طول این سال‌های پس از انقلاب علی‌رغم وجود فشارها و توطئه‌های مختلف در راستای ایجاد خلل در این جلوه مردم‌سالاری دینی، اجازه نداده‌اند که حتی یک روز هم این امر مهم سیاسی به تأخیر افتد.

۶-۲- مردم و نهاد مجلس نمایندگان

مجلس نمایندگان عرصه تحقق مشارکت مردمی و از مهم‌ترین نهادهای مبین نقش و جایگاه مردم در نظام مردم‌سالاری در عرصه قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری در امور عمومی است و از آنجاکه در عصر حاضر مردم از طریق نمایندگانشان در حوزه «تقنین قوانین عادی و عرفی» ایفای نقش می‌نمایند، در مردم‌سالاری دینی ایران نیز مردم ناگزیر به‌صورت غیرمستقیم از طریق نمایندگان خود در نهادی به نام مجلس نمایندگان مشارکت سیاسی دارند. این نهاد از کمیته‌های تخصصی تشکیل شده است که در آن منتخبان مستقیم مردم بنابر حوزه خاصی که در آن کارشناس هستند، به امر قانون‌گذاری مشغول‌اند.

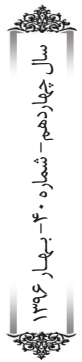
رهبری نقش محوری برای مجلس به‌عنوان نهادی که خواست مردم را محقق می‌سازد قائل هستند و در بیانات خود می‌فرمایند: «مجلس شورای اسلامی، یک مرکز اساسی و تعیین‌کننده برای انقلاب است، همه سررشته‌های امور، به مجلس شورای اسلامی برمی‌گردد» (بیانات نظام مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۲/۹/۶۸). در این نگاه وجود مجلس همان‌قدر ضرورت دارد که اسلامیت نظام ضرورت دارد. مجلس در بعد مردمی آن نماد هر نظام مردم‌سالاری است.

اصولاً یکی از شاخص‌های تمیز نظام‌های مردم‌سالار با سایر نظام‌ها وجود مجلس یا پارلمان است. نمایندگان مجلس منتخبان ملت هستند که از جانب آن‌ها وکالت به تقنین و نظارت بر امور دارند؛ بنابراین یکی از وظایف نهاد رهبری در ایران حفظ جایگاه و شأن مجلس است که رهبر انقلاب نیز همواره در مشی خود این اصل را رعایت نموده‌اند. ایشان همواره از حق مجلس شورای اسلامی و وکلای ملت برای بیان آزاد نظراتشان و طرح و بررسی لوایح حساس و چالش‌برانگیز دفاع نموده‌اند: «بنده به‌هیچ‌وجه طرفدار مجلس خاموش و حرف‌شنو که منشأ اثر نباشد نیستم... طرفدار مجلس ساکت و سربه‌زیر و سر بجنابان در برابر هر حرف نیستم. معتقدم مجلس نبایستی رکود و سکون داشته باشد و باید متحرک و فعال و پرنشاط باشد» (دیدار با استادان و دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶).

از همین رو، نمایندگان مجلس نیز که خود را تحت حمایت بالاترین مرجع سیاسی کشور می‌بینند، گام در مباحث حساس و چالشی می‌گذارند و از این‌روی مطالبات به‌حق مردم را درباره تقنین قوانین مفید برای مشکلات جامعه را جامه عمل می‌پوشانند. همین امر، زمینه را برای نقش‌آفرینی اراده ملت در امر سیاسی فراهم نموده و دلالت لفظ مجلس، بر ظهور اراده ملت را از باب ترادف معنایی باز کرده است. در برخی موارد که اختلافاتی بین مجلس و سایر نهادها ایجاد شده، رهبری امر بر نافذ بودن رأی مجلس داده و مجلس را دارای اولویت و رجحان بر سایر قوا می‌دانسته است. به‌عنوان مثال در بحث اصلاح قانون اساسی و بسط اختیارات رهبری که یکی از شئون آن حق و اختیار رهبری در انحلال مجلس بود، این موضوع مورد مناقشه نمایندگان مجلس قرار گرفت و رهبری با آگاهی یافتن از احساسی شدن نمایندگان مجلس، این امر را به صلاح مملکت ندانستند و حکم بر حذف آن دادند. از این‌روی نهاد مجلس که تبلور حاکمیت مردمی است بسیار مورد حمایت و حساسیت رهبری است و سندی دال بر تقلیل جایگاه و ارزش نهاد مجلس از سوی ایشان نمی‌توان یافت.

۳-۶- خودگردانی محلی (الگوی بومی شوراهای شهر و روستا)

یکی دیگر از نهادهای گنجانده‌شده در قانون اساسی که در عمل نیز اقتدار جمعی و



مشارکت سیاسی را به صورت بومی محقق ساخته است، شوراهای اسلامی شهر و روستا هستند که بر طبق اصل ششم قانون اساسی مردم‌سالاری دینی ایران: «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان ضرورت صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند»؛ بنابراین شکل‌گیری و تکامل شوراهای شهر و روستا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از درخشان‌ترین عرصه‌های کارکردی نظام جمهوری اسلامی در بحث مردم‌سالاری بوده است. رهبر انقلاب نیز که اولین دوره انتخابات شهر و روستا در دوران رهبری ایشان به وقوع پیوست، شوراهای شهر و روستا را عرصه به میدان آمدن مردم برای اداره مستقیم امور خود، فارغ از دیوان‌سالاری عریض و طویل دولتی دانسته‌اند: «اصل ایجاد شوراهای اسلامی شهر روستا در قانون اساسی نشان‌دهنده اهتمام نظام جمهوری اسلامی به مجموعه تنوع فکرها و مشورت‌ها و دیدگاه‌ها در اداره امور کشور است. این موضوع نقطه مقابل نظام‌های ارتجاعی و استبدادی است. افتخار جمهوری اسلامی ایران این است که از روز اول، آراء، اتکا و خواست مردم مورد توجه جدی قرار گرفته است».

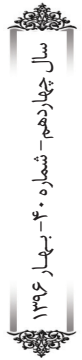
با برگزاری اولین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا در سال ۱۳۷۷ آخرین تکه پازل مردم‌سالاری دینی نیز محقق شد و بشارت مشارکت همگانی مردم در تمام نقاط کشور برای توسعه و آبادانی و رشد فرهنگ مشارکت داده شد. به گفته رهبری: «خدای متعال را شکرگزاریم که در انتخابات شوراها یک نهاد دیگر برای خدمت به مردم تأسیس شد و ملت ایران یک گام دیگر به تحقق کامل قانون اساسی مترقی جمهوری اسلامی نزدیک گشت. اکنون که در سالروز پیام امام عزیز و در سالی که به نام گرمی آن یگانه دوران نام‌گذاری شده، این نهاد اصیل آغاز به کار می‌کند؛ از صمیم قلب آرزو می‌کنم که شوراهای اسلامی شهر و روستا بتواند در سمت اهداف والا و انقلاب بنیان‌گذار نظام اسلامی تلاش و فعالیت کند و

در چارچوب تکالیف قانونی خود به رفع مشکلات مردم بپردازد». ایشان تأکید زیادی بر مشارکت همگانی مردم و در دست گرفتن امور کشور و حل مسائل و مشکلات جاری مناطق مختلف از طریق القای حس مسئولیت‌پذیری ملی دارند. یکی از آثار مثبت شوراهای اسلامی شهر روستا، سپردن امور شهر و روستا به مردم بومی است. این کار قطعاً سبب افزایش مشارکت مردم محلی و رشد فرهنگ مشارکت مدنی و نهایتاً نهادینه شدن ارزش‌های دموکراسی در جوامع کوچک محلی و گسترش دموکراسی و انتقال نتایج مثبت آن به همه جای کشور بزرگی چون ایران می‌شود که این مطلب، خود یک دستاورد بزرگ در راستای تعمیق و ترویج دموکراسی است. رهبری با تشویق مردم به حضور پررنگ در انتخابات شوراهای شهر و روستا، منتخبان را نیز به خدمت هرچه بیشتر برای مردم فراخوانده‌اند. ایشان میزان مشارکت مردم در انتخابات شوراهای شهر و روستا را تابعی مستقیم از منشأ اثر بودن منتخبان مردم می‌دانند و بر این باورند که منتخبان مردم هرچه منشأ خیرات و برکات بیشتر برای مناطق خود باشند، قطعاً میل مردم برای شرکت در دوره‌های آتی افزایش پیدا خواهد کرد.

۷- نتیجه‌گیری

عناصر تشکیل‌دهنده «نقش و جایگاه مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی از منظر رهبری» را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

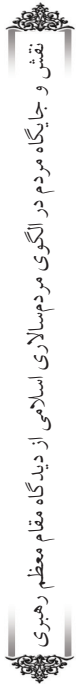
- تعیین ارکان قدرت و حکمرانی در نظام سیاسی ایران؛ دین و مردم.
- انتخاب زمامداران و مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود در چارچوب حق و تکلیف از طریق نهادهای مستقر در مردم‌سالاری اسلامی.
- تأکید بر نقش مردم در تشکیل حکومت، تعیین حاکم و اداره کشور.
- آگاه‌سازی مردم از سوی حکومت و حق شفافیت.
- حکومت خدمتگزار و مسئول در برابر مردم.
- پاسداری کرامت مردم در نظر و عمل.



- مشارکت در قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری از طریق نمایندگان خود در نهاد مجلس نمایندگان.

- نظارت مردم بر اصحاب قدرت و کسانی که به قول امام (ره) مردم آنها را از زندان‌ها بیرون آورده و بر مسند قدرت نشاندند.

- سازوکار نظارتی امر به معروف و نهی از منکر برای مهار قدرت در جامعه مردم‌سالاری اسلامی.

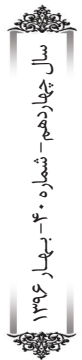


Archive of SID

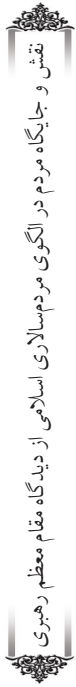


منابع

- انصاری، منصور (۱۳۸۴). چالش‌ها و فرصت‌های فراروی گذار به دموکراسی، زیر نظر حسین بشیریه، تهران: نگاه معاصر.
- سعیدی، مهدی (۱۳۹۲). مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عجم اغلو، دارون و جیمز رابینسون (۱۳۹۱). ریشه اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی، تهران: کویر.
- مقیمی، غلام‌حسین (۱۳۸۸). جایگاه حق رأی در مردم‌سالاری دینی، مجموعه مقالات همایش مردم‌سالاری دینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۸). نظریه مردم‌سالاری دینی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۸). تنبیه الامه و تنزیه المله، با توضیحات سید محمود طالقانی، تهران، چاپ نهم.
- یدالله‌پور، بهروز (۱۳۸۹). «کرامت انسان در قرآن و انگاره‌های اندیشمندان مسلمان معاصر»، قابل دسترس در وبسایت راسخون.
- Gastil, Raymond Duncan (1991). The Comparative Survey Of Freedom: Experiences and Suggestion”, in Alex Inkeles, ed, on mesurin Democracy. Its Cosequences and Containments, New Brunswick, New jersey: Transaction.
- Munck, Gerardo and Jay Verkuilen, “Measuring Democracy. Evaluating Alternative Indices”, Available at: <http://rboyd.web.wes/eyan.edu/wescourses/goolf/govt366/01/course%go Documents/Munck -Verkuilen.pdf>
- North, Douglass C, and Barry Weingast (1989). The Rise of Westren: A New Economic History; Cambridge University Press.
- North, Douglass (1990). The New Institutional Economics and Third World Development. Ed by John Harris. London: Routledge.
- Peters, B. Guy (1999). Institutional Theory in Political Science, The New Institutional, London and New York, Edition: 2.



- Vanhanen, Tatu (2002). Polyarchy dataset, measures of democracy 1810-2002” Available at: [http://www.prio.no/cscw/datasets/polyarchy%20 dataset%20 measures%20 of %20 Democracy](http://www.prio.no/cscw/datasets/polyarchy%20dataset%20measures%20of%20Democracy).



Archive of SID